بسم الله الرحمن الرحیم

منجی موعود، اشتراک‌ها و چالش‌ها

منبع مسابقهٔ جشن میلاد امام مهدی (عج) در بنیاد امام علی (ع) بخارست

WWW.IMAMALI.RO

موعود ادیان

باور به آمدن نجات‌بخشی بزرگ در پایان تاریخ، از عمیق‌ترین و گسترده‌ترین باورهای بشری است. این اندیشه که در آینده فردی الهی یا برگزیده خواهد آمد تا جهان را از ظلم و تباهی نجات دهد، از گذشته‌های دور در اغلب ادیان و فرهنگ‌های کهن وجود داشته است. این اشتراک نشان می‌دهد که انتظار منجی، ریشه در فطرت انسانی دارد و همهٔ افراد با هر فرهنگ و ملیت و مذهبی، تحقق صلح و دوستی و عدالت را در سراسر جهان از صمیم قلب دوست دارند و انتظار چنین شرایطی را در دل می‌پرورانند.

بشارت به ظهور منجی در آخرالزمان یکی از آموزه‌های مشترک ادیان ابراهیمی است. در مسیحیت باور به بازگشت عیسی مسیح (ع) و داوری نهایی او بر اعمال انسان‌ها و برقراری پادشاهی خدا به‌عنوان باوری قطعی پذیرفته شده است. در یهودیت، ماشیح به عنوان فردی از از نسل داوود (ع) معرفی می‌شود که حکومت بنی‌اسرائیل را احیا خواهد کرد و معبد سلیمان (ع) به‌دست او ساخته خواهد شد. ادیان شرقی نیز از آمدن منجی موعود خبر داده‌اند. در هندوئیسم این وعده مطرح می‌شود که کالکی، دهمین و آخرین تجسد ویشنو روزی سوار بر اسبی سفید خواهد آمد و پلیدی‌ها و تاریکی‌ها را نابود خواهد ساخت. در بودیسم هم از مایتریا به‌عنوان بودای آینده و معلم حقیقت و رستگاری سخن گفته می‌شود که صلح، هماهنگی، مهربانی و رهایی از رنج را برای همگان به ارمغان خواهد آورد. در آیین زرتشت، نجات‌بخش موعود، سوشیانت نامیده می‌شود و او را از نسل زرتشت و پیروز نهایی در نبرد خیر و شر و احیاکنندهٔ پاکی و راستی معرفی می‌کنند.

در آیین اسلام نیز باور به منجی موعود، یکی از اعتقادات ضروری است که دربارهٔ اصل آن، اختلافی وجود ندارد و حتی اهل سنت نیز ظهور فردی به‌نام مهدی (ع) که از فرزندان پیامبر اکرم (ص) و از نسل حضرت زهرا (س) است را قطعی می‌دانند.

باور مشترک مسلمانان

اعتقاد به ظهور منجی و انتظار قیام شخصیتی موعود با نام مهدی (عج) از جمله باورهای اصیل و عمیق شیعیان است و بخشی از هویت و آرمان مشترک پیروان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را تشکیل می‌دهد. اهمیت و محوری بودن این اعتقاد سبب شده است تا دشمنان این مکتب و آنان که برای ایجاد اختلاف و فتنه در میان مسلمانان تلاش می‌کنند، بر این موضوع تمرکز یابند و با جعل داستان‌هایی واهی یا بزرگ‌نمایی جزئیات و حاشیه‌هایی بی‌اهمیت، اصل این اعتقاد را زیر سؤال ببرند و شیعیان را به خرافه‌گرایی و خردگریزی متهم سازند.

این در حالی است که دلایل منطقی این اعتقاد، پیشینهٔ عمیق آن در تمامی ادیان الهی و مستندات فراوان و معتبر در منابع روایی اهل سنت، انتظار منجی موعود و اندیشه مهدویت را به بنیانی خدشه‌ناپذیر تبدیل ساخته که نه‌تنها ظرفیت لازم را برای ایجاد وحدت و همدلی میان فرق اسلامی داراست، بلکه می‌تواند زمینهٔ همزیستی و همکاری میان پیروان همهٔ ادیان الهی را فراهم آورد.

تعداد بالای احادیث مرتبط با مهدویت در منابع مورد اعتماد اهل سنت و نقل و تأیید این موضوع از سوی دانشمندان بزرگ سنی، هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که باور به ظهور مهدی موعود (عج) در انحصار شیعیان نیست و تمامی فرق اسلامی آن را به‌عنوان عقیده‌ای ضروری و قطعی پذیرفته‌اند. این موضوع نه تنها در ده‌ها عنوان کتاب و رسالهٔ مستقل با موضوع امام مهدی (عج) که از سوی دانشمندان اهل سنت نگارش یافته به‌روشنی مشخص است، بلکه در صحاح سته که مهمترین و معتبرترین منابع حدیثی آنان به‌شمار می‌رود نیز با صراحت مورد تأکید قرار گرفته است.

البته دیدگاه فرق اسلامی در همهٔ ابعاد و جزئیات عقیدهٔ مهدویت یکسان نیست. جنبه‌هایی از این باور در میان مذاهب اصلی اسلامی یکسان و مشترک است و در بخش‌هایی از آن اختلاف نظر وجود دارد. برای شناخت بهتر موضوع لازم است این نقاط اشتراک و اختلاف را بشناسیم و به پرسش‌ها و شبهات پیرامون آن پاسخ دهیم.

نقاط اشتراک

آموزهٔ مهدویت و انتظار موعودی نجات‌بخش، باوری مشترک میان همهٔ مسلمانان است و جز افرادی نادر مثل ابن‌خلدون، هیچ‌یک از دانشمندان مسلمان مخالفتی با این اصل نداشته‌اند. باورهای مشترک مذاهب اسلامی در این زمینه عبارتند از:

۱. منجی موعود

در تمامی اخباری که درباره امام مهدی (ع) نقل شده، نوعی بشارت و پیش‌بینی تحقق شرایط مطلوب برای امت اسلامی و بلکه همهٔ انسان‌ها نهفته است. نوع بیان این پیش‌گویی‌ها با آنچه در دیگر ادیان الهی برای دوران ظهور منجی موعود مطرح شده است، هماهنگی کامل دارد.

۲. از نسل پیامبر اکرم (ص)

معمولاً همراه با تأکید محدثان بر متواتر و صحیح بودن احادیث بشارت به ظهور و قیام امام مهدی (عج) به این نکته که آن حضرت از فرزندان پیامبر اکرم (ص) و جزو اهل بیت اوست نیز اشاره شده است. علاوه بر آن، بسیاری از دانشمندان اهل سنت تصریح کرده‌اند که امام مهدی (عج) از نسل فاطمه (س) و علی (ع) است.

۳. خلیفهٔ رسول خدا (ص)

در صحیح بخاری، صحیح مسلم و بسیاری دیگر از صحاح و مصادر حدیثی اهل سنت، روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که آن حضرت تعداد خلفای خود را دوازده نفر اعلام کرده‌اند. بسیاری از محدثانی که مدعی صحت یا تواتر احادیث مرتبط با امام مهدی (عج) بوده‌اند، آن حضرت را دوازدهمین خلیفه از خلفای دوازده‌گانهٔ پیامبر اکرم (ص) دانسته‌اند. اینکه ابوداود در سنن خود، حدیث دوازده خلیفه را در باب مربوط به امام مهدی (عج) آورده است، این تلازم و ارتباط را نشان می‌دهد.

۴. نام او محمد

اگر چه دربارهٔ نام پدر امام مهدی (عج) اختلاف وجود دارد، اما در اینکه خود آن حضرت همنام پیامبر اکرم (ص) است، تردید و اختلافی نیست. علاوه بر اینکه در یکی از صحاح سته به این نکته تصریح شده، در سخنان

برخی از دانشمندانی که دربارهٔ عقیدهٔ مهدویت در اسلام، ادعای تواتر کرده‌اند نیز نام آن حضرت به‌عنوان موضوعی مسلّم و متواتر تلقی شده است.

۵. لقب او مهدی

در منابع و متون اسلامی، بیش از آنکه به نام امام موعود اشاره شود، از مشهورترین لقب او که مهدی است یاد شده است. نامگذاری صدها کتاب و رسالهٔ مرتبط با نام مهدی، تصریح به این نام در صدها حدیث و متن تاریخی، استفاده از این عنوان در نامگذاری ابواب و فصول منابع مورد اعتماد اهل سنت و تلاش مدعیان دروغین برای بهره‌گیری از این نام، نشان می‌دهد کسی در این‌باره تردید نداشته است.

۶. ظهور او در آخرالزمان

اکثر روایات و متون مرتبط با امام مهدی (عج) که در منابع مورد اعتماد فرقه‌های اسلامی نقل شده است به این نکته اشاره دارد که آن حضرت در آخرالزمان ظهور و قیام خواهد کرد. منظور از آخرالزمان دوران پایانی تاریخ جهان و پیش از وقوع قیامت است. در برخی از این روایات، از ظهور آن حضرت یا برخی حوادث مقارن با ظهور موعود، به عنوان نشانه‌های وقوع قیامت یاد شده است.

۷. قیام، پیروزی و تسلط او

روایات و بشارات مربوط به قیام امام مهدی (عج) از قطعی بودن قیام و پیروزی ایشان بر دشمنان و دستیابی به حکومتی مقتدر خبر می‌دهد. برخی از این روایات، دایرهٔ حکومت آن حضرت را جهانی می‌داند. به هر حال در اینکه رهبری و فرمانروایی امت اسلامی در اختیار مهدی موعود قرار خواهد گرفت تردید و اختلافی نیست.

نقاط اختلاف

۱. نام پدر امام مهدی(ع):

یکی از مهم‌ترین موضوعات اختلافی دربارهٔ مهدی موعود (عج)، نام پدر ایشان است. آنچه موجب بروز این اختلاف شده، عبارتی است که در برخی از روایات آمده و بر اساس آن، پیامبر اکرم (ص) منجی موعود را همنام خود و پدر او را همنام پدر خود اعلام کرده‌اند. لذا دیدگاه غالب در میان اهل سنت، مهدی موعود را فردی با نام محمد بن عبدالله می‌داند. این در حالی است که همه شیعیان دوازده‌امامی بدون هیچ تردیدی

اعتقاد دارند مهدی موعود (عج) فرزند امام حسن عسکری (ع) است؛ زیرا در روایات فراوانی از اهل بیت پیامبر (ع) بر این نکته تأکید شده است.

بسیاری از محققان معتقدند بخش مربوط به نام پدر آن حضرت در اصل حدیث پیامبر وجود نداشته و بعدها توسط طرفداران دو تن از مدعیان مهدویت که نامشان محمد بن عبدالله بوده به این احادیث اضافه شده است. آنها نقل این احادیث، بدون بخش مربوط به نام پدر، در کتب محدثان بزرگی چون ترمذی و احمد بن حنبل را شاهدی بر دیدگاه خود می‌دانند.

۲. نسب ایشان:

همان‌گونه که اشاره شد، در اینکه امام مهدی (عج) از نسل امام علی و حضرت فاطمه زهرا (س) است تردید و اختلافی وجود ندارد؛ اما اینکه این نسب از طریق امام حسن مجتبی (ع) به آن حضرت می‌رسد یا وی در سلسلهٔ فرزندان امام حسین (ع) قرار می‌گیرد، به موضوعی اختلافی میان شیعه و گروهی از اهل سنت تبدیل شده است. مهمترین عامل بروز این اختلاف، حدیثی است که به‌صورت منقطع در سنن ابوداود نقل شده و بر اساس آن، امام علی (ع) فرموده‌اند مهدی موعود (عج) از نسل فرزندم حسن (ع) خواهد بود.

این در حالی است که در روایات فراوان، اهل بیت (علیهم‌السلام) بر اینکه آن حضرت از نسل امام حسین (ع) است تصریح کرده‌اند و به‌نظر می‌رسد در آن حدیث، به‌صورت عمدی یا سهوی در نگارش کلمهٔ «حسین» خطا رخ داده است.

۳. ولادت و طول عمر:

شیعیان معتقدند مهدی موعود (عج) در نیمهٔ شعبان سال ۲۵۵ هجری به‌دنیا آمده و با وجود گذشت بیش از ۱۲۰۰ سال از عمرش، همچنان با ارادهٔ الهی زنده و از دیدگان مردم پنهان است. گذشته از دلایل متواتر و مسلمی چون احادیث دوازده خلیفه و حدیث ثقلین که بدون اعتقاد به ولادت و زنده بودن امام مهدی (عج) پیام اصلی خود یعنی استمرار امامت دوازده جانشین پیامبر اکرم (ص) تا روز قیامت را از دست خواهند داد، از نظر شیعیان، مستنداتی وجود دارد که امام حسن عسکری (ع) و دیگر افرادی که موفق به دیدار آن حضرت شده‌اند، به تولد چنین فرزندی شهادت داده‌اند.

اما دیدگاه غالب میان اهل سنت این است که منجی موعود هنوز متولد نشده است و در آینده، فردی با آن ویژگی‌ها از نسل حضرت زهرا (س) به‌دنیا خواهد آمد و زمین را پر از عدالت خواهد ساخت. البته تعدادی از

دانشمندان بزرگ اهل سنت در آثار خود به تولد فرزند امام حسن عسکری (ع) اشاره کرده و این موضوع را پذیرفته‌اند.

آیا امام مهدی (عج) زنده است؟

اگرچه احادیث و گزارش‌هایی تاریخی دربارهٔ تولد فرزند امام حسن عسکری (ع) به‌عنوان دوازدهمین امام از نسل رسول خدا (ص) به‌دست ما رسیده که با روایات مذاهب مختلف دربارهٔ قریشی بودن دوازده خلیفه، هماهنگ است؛ ولی بسیاری از مسلمانان به این گزارش‌ها اعتماد ندارند و چنین مستنداتی را برای پذیرش باورهای دینی کافی نمی‌دانند.

اما اگر مبنای دین‌شناسی خود را به‌جای حدیث، قرآن قرار دهیم، به آموزه‌هایی دست پیدا می‌کنیم که تردیدی در اصالتشان نداریم. قرآن در آیهٔ ۷۳ سورهٔ انبیاء و آیهٔ ۲۴ سورهٔ سجده مقام امامت را جایگاهی معنوی و هدایتی از طریق «امر الهی» معرفی می‌کند و در دو آیهٔ پایانی سورهٔ یس آنچه مربوط به عالم «امر» باشد را موضوعی ملکوتی و فراتر از اسباب و عوامل عالم مادی می‌داند.

از سوی دیگر در آیهٔ ۱۲۴ سورهٔ بقره به استمرار مقام امامت در نسل حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) اشاره می‌شود و آیهٔ ۲۸ سورهٔ زخرف از باقی بودن جایگاه هدایت در این نسل خبر می‌دهد. وقتی این نکات را در کنار آیاتی چون آیهٔ ۷ سورهٔ رعد که این لطف را شامل همهٔ امت‌ها می‌داند بگذاریم به این نتیجه می‌رسیم که قرآن از استمرار هدایت باطنی در همهٔ دوره‌ها خبر می‌دهد.

اکنون باید به این پرسش پاسخ دهیم که پس از پیامبر اکرم (ص) چه کسانی عهده‌دار این مقام باطنی بوده‌اند؟ با بررسی پاسخ مکاتب گوناگون به این پرسش، تنها راه حل هماهنگ با آموزه‌های قرآنی یادشده را دیدگاهی می‌یابیم که سلسلهٔ امامت را در اهل بیت آن حضرت باقی و مستمر می‌داند و با اذعان به ابهام در ولادت و طول عمر آخرین امام، زنده بودن او را می‌پذیرد.

در این نگاه به‌جای مبنا قرار دادن گزارش‌های خدشه‌پذیر حدیثی یا تاریخی، قرآن را به‌عنوان سند معتبر و قطعی دین، محور می‌دانیم و بدون اینکه بخواهیم دربارهٔ جزئیات آنچه در روایات آمده است قضاوتی داشته باشیم، از ره‌یافت‌های ارزشمند آن برای فهم بهتر آموزه‌های قرآنی بهره می‌گیریم و به احادیث هماهنگ با کتاب خدا اعتبار می‌بخشیم.

پس استدلال قرآنی دربارهٔ زنده بودن امام مهدی (عج) را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

۱ـ قرآن امامت را مقامی معنوی برای هدایت باطنی همهٔ امت‌ها معرفی می‌کند که در نسل حضرت ابراهیم (ع) باقی است.

۲ـ از میان نظریه‌های مطرح‌شده دربارهٔ جانشینی پیامبر اکرم (ص) فقط آنچه شیعیان دوازده امامی می‌گویند با قرآن هماهنگی دارد.

جالب اینجاست که در کتب صحاح اهل سنت، احادیثی با این مضمون وجود دارد که پیامبر اکرم (ص) جانشینان حقیقی خود را دوازده خلیفه اعلام کرده‌اند و این نکته نیز تنها با دیدگاه شیعیان اثناعشری دربارهٔ تعداد امامان و طول عمر آخرین جانشین پیامبر (ص) سازگار است.

آنچه اهمیت دارد

اگرچه باور به وجود امامی زنده که واسطهٔ فیض و هدایت خداست، نگاه و ارتباطی زیباتر و پویاتر را نسبت به امور معنوی پدید می‌آورد، ولی با توجه به اشتراک نظر همهٔ مسلمانان دربارهٔ ظهور و قیام مهدی موعود (عج) و بلکه با توجه به دیدگاه یکسان پیروان ادیان ابراهیمی، آسمانی و معنوی در زمینهٔ آمدن منجی، به‌نظر می‌رسد بحث و جدل دربارهٔ اختلافات و جزئیات این موضوع، هیچ سودی در بر نداشته باشد و در عمل، تغییری در زندگی امروز ما ایجاد نکند.

چه شیعیان دوازده امامی و چه پیروان هر یک از مذاهب اهل سنت، و حتی آنان که خود را اهل ادیانی غیر از اسلام می‌دانند، هر کسی که به وعدهٔ خدا دربارهٔ پیروزی نهایی حق بر باطل و ظهور نجات‌بخش انسان ایمان داشته باشد، اگر واقعاً به صلح و عدالت و اخلاق بیندیشد و سبب اصلی انتظار خود را رسیدن به چنین ارزش‌هایی بداند، اثر و نتیجهٔ ملموس این باور را باید در زندگی و رفتار خود آشکار کند و تلاش و پیگیری او در زمینهٔ صلح و اخلاق و عدالت، تفاوت چندانی با پیروان دیگر مذاهب نخواهد داشت.

پس نخستین قدم در مسیر انتظار ظهور منجی این است که منتظران او نسبت به یکدیگر مهربان باشند و ضمن پایبندی به باورهای خود، به عقاید دیگران احترام بگذارند و به‌جای بحث و جدل‌های بی‌حاصل دربارهٔ جزئیات اختلافی، تمرکز خود را بر مشترکات انسانی و معنوی قرار دهند. آن‌گاه هر کس بر اساس باورهایی که در این زمینه دارد، برای زمینه‌سازی آمدن موعودی که همهٔ حقیقت‌طلبان جهان به انتظار او نشسته‌اند

تلاش کند و خود را برای یاری او آماده سازد. در این میان، قطعاً کسانی که امام خود را زنده و از حال خود آگاه می‌دانند، تلاش بیشتری خواهند داشت و از ارتباط معنوی با او بهره می‌گیرند.

آسیب‌هایی که باید مراقبت شود

هر باور درست و مفیدی در معرض تحریف، سوء استفاده و آفت‌هایی است که می‌تواند آن را به موضوعی زیان‌بار و خطرناک تبدیل کند. باور به اندیشهٔ مهدویت نیز از این قاعده مستثنی نیست و از همان قرون نخستین اسلام، دستخوش برداشت‌های جاهلانه و نادرست و استفاده‌های ابزاری برای رسیدن به مقاصدی چون قدرت، شهرت و ثروت بوده و همچنان ممکن است دچار چنین آسیب‌هایی باشد. مهم‌ترین آفت‌ها و انحرافاتی که باید مراقب بود تا در دام آنها گرفتار نشویم، عبارتند از:

۱. ادعای ارتباط و دیدار

حتی اگر این احتمال را بپذیریم که شاید برخی افراد برگزیده در شرایطی خاص با امام مهدی (عج) ارتباط داشته‌اند، یا آن حضرت گاهی از پس پردهٔ غیبت، هدایت و توجهی ویژه نسبت به فردی نشان داده‌اند، باز هم نمی‌توانیم به هیچ ادعایی در این زمینه اعتماد کامل داشته باشیم. زیرا گذشته از احتمال دروغ و سوء استفاده، معمولاً در این‌گونه امور با مشکلاتی چون برداشت‌های نادرست، خطا در تطبیق، توهم‌های ناخواسته و ابهام‌های دیگری مواجه می‌شویم که ممکن است ما را از حقیقت دور کند.

قرآن کریم و اهل بیت (ع) بارها دربارهٔ تکیه کردن بر ظن و پیروی از حدس و گمان هشدار داده‌اند و عامل اصلی انحراف اغلب کسانی که دچار گمراهی شده‌اند را اعتماد به چیزی جز علم و آگاهی دانسته‌اند. در موضوع مهدویت نیز باید مراقب باشیم فریب اسامی، عناوین و ظواهر مقدس را نخوریم و حتی از بزرگان و کسانی که به نیت خیر آنها اطمینان داریم، نه مطلبی را بدون دلیل و سند بپذیریم و نه انکار کنیم.

۲. ادعای نیابت

بر اساس اعتقاد شیعیان اثناعشری، عصر حاضر، دوران غیبت امام مهدی (عج) است. در این شرایط، بهره‌گیری از وجود آن حضرت همچون استفاده از نور خورشید در هنگام پنهان شدن در پس ابرهاست؛ یعنی اگرچه آن حضرت را نمی‌بینیم و با او ارتباط نداریم، ولی نور وجود او بر دل‌های ما می‌تابد و برکات معنوی را از این طریق دریافت می‌کنیم.

اما باید توجه داشت که ما در دوران غیبت امام زمان (عج) از راهنمایی‌های ایشان محرومیم و حق نداریم هیچ دیدگاهی را چه در مسائل دینی و چه در امور اجتماعی یا غیر دینی به آن حضرت نسبت دهیم. زیرا هیچ فرد یا گروه خاصی به‌عنوان نماینده یا جانشین امام در دوران غیبت تعیین نشده است و اساساً جایگاه و اختیارات امام معصوم به‌گونه‌ای نیست که غیر معصوم بتواند نیابت آن را بر عهده بگیرد.

البته همان‌گونه که در دوران حضور ائمه (ع) کسانی که به آن بزرگواران دسترسی نداشتند موظف بودند به عالمان دین و راویان احادیث مراجعه کنند و بهترین برداشت ممکن دربارهٔ احکام و آموزه‌های شریعت را از این طریق به‌دست آورند، در دوران غیبت نیز همین روش عقلایی باید مبنا قرار گیرد؛ ولی هیچ فرد، گروه یا گرایش خاص در میان عالمان دین نمی‌تواند خود را نمایندهٔ آن حضرت یا بیان‌کنندهٔ انحصاری دیدگاه ایشان معرفی کند و این مردم هستند که باید در فضایی آزاد، سخن همهٔ محققان و دانشمندان را بشنوند و با بررسی توان علمی و تقوا و تعهد آنها، از میان دیدگاه‌های گوناگون، نظری را که مطمئن‌تر تشخیص می‌دهند برگزینند و آنچه را می‌فهمند، نه به‌عنوان نظر قطعی قرآن و عترت، بلکه به‌عنوان بهترین گزینهٔ ممکن از میان برداشت‌هایی خطاپذیر از دین، مبنای عمل قرار دهند.

۳. تطبیق نشانه‌ها و تعیین وقت

اگرچه در منابع حدیثی شیعه روایات متعددی دربارهٔ نشانه‌های ظهور امام عصر (عج) نقل شده است، ولی اولاً شیوهٔ نقل هیچ‌یک از این احادیث به‌گونه‌ای نیست که بتوان به‌صورت قطعی آن را به پیشوایان دین نسبت داد و ثانیاً بر فرض صحیح بودن چنین مطالبی، احتمال خطا در تعیین مصادیق آن بسیار بالاست.

علاوه بر سوء استفادهٔ فراوانی که جریان‌های قدرت در دوره‌های گوناگون از احادیث آخرالزمان و نشانه‌های ظهور انجام داده‌اند و نمونه‌های آن در تاریخ مکتوب قابل بازیابی است، اشتباهات متعددی نیز در این زمینه از دانشمندان و بزرگانی گزارش شده است که در نیت خیر آنها تردیدی نداریم و تحلیل‌هایشان را با منافع سیاسی مرتبط نمی‌دانیم. برخی از این علما صدها سال پیش در آثار خود، علائم ظهور را با شرایط دوران خود تطبیق داده و آینده‌ای نزدیک را به‌عنوان هنگام ظهور مشخص کرده بودند، ولی گذشت زمان، خطای آنها را آشکار ساخت و همین کار، بهانه‌هایی را به دست کسانی داد تا اساس باورهای صحیح دینی را نیز زیر سؤال ببرند یا به سخره بگیرند.

۴. انتظار منفعل

یکی دیگر از خطاهایی که در برداشت از مفهوم انتظار منجی رخ می‌دهد، سر باز زدن از انجام وظایف و مسئولیت‌های خود و موکول کردن آن به آینده است. برخی گمان می‌کنند چون به ما وعده داده‌اند همهٔ مشکلات با ظهور امام زمان (عج) حل خواهد شد، تا آن زمان نیازی به تلاش برای پیشرفت فردی یا مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی وجود ندارد، یا این تلاش‌ها به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسد و این‌گونه از زیر بار آنچه عقل و منطق بر عهدهٔ آنها می‌گذارد، شانه خالی می‌کنند.

این در حالی است که طبق روایات اسلامی، انتظار فرج به‌عنوان "افضل اعمال" معرفی شده که نشان می‌دهد انتظار واقعی نوعی تلاش و اقدام در جهت نزدیک شدن به همان چیزی است که مشتاق رسیدن به آنیم، نه سکون و بی‌عملی. منتظر حقیقی کسی است که برای اصلاح خود و جامعه تلاش می‌کند، در برابر ظلم و بی‌عدالتی ساکت نمی‌نشیند، و با علم‌آموزی و کسب مهارت، خود را برای یاری امام زمان (عج) آماده می‌کند؛ او در عین امید به آیندهٔ روشن، از وظایف کنونی خود غافل نمی‌شود و می‌داند که آماده‌سازی جامعه برای ظهور نیازمند تلاش و مجاهدت مستمر است.

۵. ترویج خرافات

وجود ابهام و پیچیدگی در موضوع غیبت و ظهور امام مهدی (عج) و مخفی بودن بسیاری از رازهای آن، موجب شده تا زمینهٔ مساعدی برای گمانه‌زنی‌ها و ترویج مطالب بی‌اساس در حوزهٔ مهدویت فراهم شود. این آسیب، امور فراوانی را شامل می‌شود که جعل و نقل روایات ساختگی و ضعیف، اعتبار بخشیدن به خواب و خیال، نسبت دادن کرامات و معجزات غیرواقعی به افراد مختلف، اعتقاد به تأثیر اعمالی خاص در تعجیل یا تأخیر ظهور و آمیختن باورهای غیراسلامی با آموزه‌های اصیل مهدویت از جملهٔ آنهاست.

برای مقابله با این مشکل، لازم است ضمن مراجعه به منابع معتبر و اصیل شیعی و بهره‌گیری از نظرات عالمان دینی در فهم روایات، از پذیرش بی‌چون و چرای ادعاهای افراد خودداری کنیم و با تقویت تفکر نقادانه و اکتفا کردن به آنچه روشن و یقینی است، مانع رواج این خرافات در جامعه شویم.

به امید تحقق وعدهٔ پیامبران و اولیای الهی و ظهور نجات‌دهندهٔ انسان و برقرار کنندهٔ صلح و عدالت و آزادی

اللهم عجل لولیک الفرج